

نوزادِ شیفت شب

یوسف رسولی

برای آن‌هایی که هرگز آغاز نشدند

نوزاد را،

در تاریکیِ استیل و سِرْم،

پیش از آن‌که نخستین نفس را بکشد،

شکنجه کردند —

نه با چاقو،

که با خالیِ آغوش.

بند ناف را نه بریدند،

پاره کردند

تا صدای مادر

در لوله‌های ونتیلاتور گم شود،

در جیغی بی‌نام

که هرگز

آزاد نشد.

نخستین هوا،

دودی خسته بود

که از ریه‌ی اگزوز برمی‌خاست.

نخستین آغوش،

پلاستیکیِ سرد بود

بی‌دست، بی‌نبض، بی‌نفس.

و لبخند،

تابشی گذرا

از چراغِ نئونِ سقف،

که خاموش شد

پیش از پلک زدن.

او گریه نکرد.

فقط چشم‌هایش

کبود شد،

و آرام‌آرام،

رنگ خاک گرفت —

بی نام،

بی تابعیت،

بی حق.

در شناسنامه‌اش

هیچ واژه‌ای نبود،

فقط یک مهر:

«در حال بررسی».

او هنوز در خیابان قدم می‌زند،

در ایستگاه، خیره می‌نشیند،

در صف، بی صدا ایستاده،

در میدان،

می میرد.

و در نگاه ما،

هرگز

به دنیا نیامده.

آهسته بایست-

شاید زیر پا

کودکی ست

که

گریه را

فرصت نکرد.

روزنامہ

منتشر شدہ در صفحہ ۴ از شماره ۲/۳ **روزنامہ**
دوشنبہ ۱۸ فروردین ۱۴۰۴، ۷ آوریل ۲۰۲۵

سایت:

www.Ruzname.org

ایمیل:

RUZNAME2@gmail.com

اینستاگرام:

https://www.instagram.com/ruzname_2

تلگرام:

https://t.me/RUZNAME_2

یوتیوب:

<http://www.youtube.com/@Ruzname-2>

کلاب هاوس:

<https://www.clubhouse.com/house/روزنامہ>